خبر

معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد

حدود ۱۰ هزار زن سرپرست خانوار زیر ۲۵ سال داریم

● **مهر:** معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام‌خمینی(ره) با اشاره به اینکه یک‌میلیون و ۵۰هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش هستند، گفت: ۹ درصد این افراد زیر ۲۵ سال هستند. محمد ذوالفقاری با اشاره به اینکه یک‌میلیون و ۵۰هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد هستند، اظهار کرد: از این تعداد ۴۹ درصد خانواده شهری و ۵۱ درصد خانواده روستایی هستند. همچنین ۹ درصد زنان سرپرست خانوار زیر ۲۵ سال، ۱۶ درصد ۲۵ تا ۴۰ سال و ۷۵ درصد نیز بالای ۴۰ سال، دارند. وی با اشاره به اینکه یک‌میلیون و ۵۰۰هزار سالمند تحت پوشش کمیته امداد هستند، تاکید کرد: ۳۸ درصد از این سالمندان در مناطق شهری و ۶۲ درصد در مناطق روستایی هستند که ۵۶ درصد آنان را زنان و ۴۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام‌خمینی(ره) با اشاره به اینکه ۲۰۰ هزار کودک یتیم تحت پوشش امداد هستند، اظهار کرد: یک‌ونیم میلیون نفر در سال از خدمات موردی کمیته امداد بهره‌مند می‌شوند و بیشترین ارباب‌رجوع ما سالمندان، سرپرستان خانوار ازکارافتاده، بیمار، فوت‌شده و خانواده سرباز متأهل هستند. به گفته ذوالفقاری، ۱۰ درصد از جمعیت کمیته امداد را جامعه زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دهند که عمده این افراد به دلیل طلاق تحت پوشش هستند. وی با اشاره به اینکه ۳۰ هزار خانوار به دلیل زندانی‌بودن سرپرست تحت پوشش هستند، گفت: سالانه ۱۰ درصد از افراد تحت پوشش از چرخه حمایت خارج می‌شوند و خدمات‌رسانی خانواده‌ها و سه نوع توانمندسازی سازمانی، اجتماعی و خانواده برای مددجویان اجرائی می‌شود و در مجموع هدف ما آمادگی خانواده‌ها و جامعه در راستای فقر و کاهش آن است. ذوالفقاری ادامه داد: ۱۵۰ هزار نفر از مددجویان تحت پوشش، فاقد مسکن هستند که ۳۵۰هزار نفر آنها نیز مسکن مناسب دارند و در همین راستا پرداخت وام بهسازی از سوی دولت و همچنین پرداخت وام از سایر صندوق‌ها به مددجویان در دستور کار قرار گرفته است. وی با تأکید بر اینکه اثرات فقر، از تک‌بعدی خارج شده است، گفت: طلاق و اعتیاد سرپرست خانوار، تعطیلی برخی کارخانجات، ایدز و... باعث شده فقر از حالت تک‌بعدی به چندبعدی تبدیل شود، به‌طوری‌که یارانه به‌تنهایی ازبین‌برنده فقر نیست، حتی اگر رقم آن واقعی باشد.

معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام‌خمینی(ره) تصریح کرد: به طور قطع برای رفع مشکل فقرا، هشت دهک از افراد جامعه می‌توانند به امداد کمک کنند، به‌طوری‌که درحال‌حاضر در کنار هر یک خانواده از شش دهک، یک خانواده فقیر قرار دارد. وی به تأخیر ازدواج دختران روستایی اشاره کرد و گفت: زنانی که کمتر از ۵۰ سال و آمادگی ازدواج را دارند، کمیته امداد تسهیلات لازم را در اختیارشان قرار می‌دهد و امروزه نقش همسریابی را نیز از طریق همکاری با شبکه‌های نیکوکاری برای رونق ازدواج برعهده داریم. معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام‌خمینی افزود: یکی از نگرانی‌های امداد، فقر بین‌نسلی است، به‌طوری‌که اگر ازدواج انجام نشود و در کنار آن آموزش‌های لازم ارائه نشود، خانواده‌های تحت‌پوشش با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد.

معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد امام‌خمینی افزود: سالانه سه‌هزار زن سرپرست خانوار با همکاری کمیته امداد، ازدواج مجدد انجام می‌دهند که به این افراد نیز کمک‌های خاص می‌شود.

گفت‌وگو با پویا علاءالدینی، دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران

جمع‌آوری دست‌فروشان فقط به افزایش بی‌کاران می‌انجامد

امیرحسین سادات

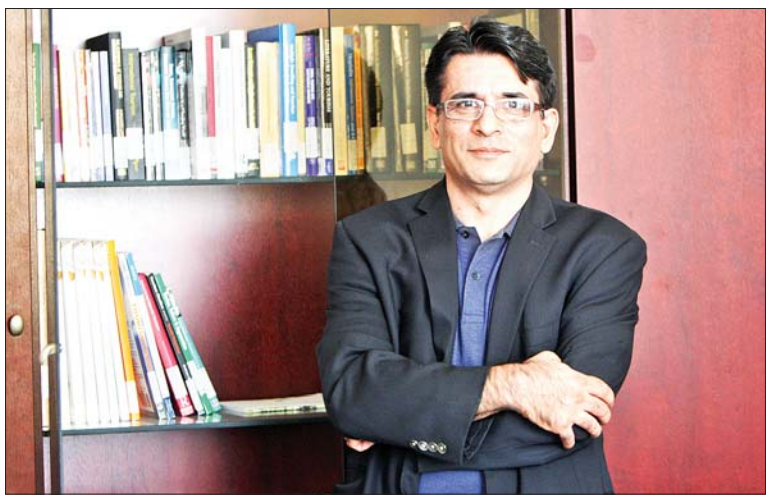

دکتر علاءالدینی بر این نظر است که مدیریت شهری در ایران اساسا هدفی برای خود در راستای شکوفایی اقتصاد شهری قائل نیست، به این بهانه که این امر جزء وظایف شهرداری‌ها تعریف نشده است. همین دیدگاه و ساختار معیوب اقتصاد کلان باعث شده‌اند مسئولان دولتی و شهری نتوانند برای متقاضیان کار، شغل کافی ایجاد کنند. در چنین شرایطی باید راه را برای مشاغل غیررسمی جایگزین باز گذاشت. او بر این باور است که حتی اگر سرمایه‌گذاری خارجی هم انجام شود، شغل جدید چندانی ایجاد نخواهد شد، چراکه به احتمال بسیار زیاد سرمایه‌گذاران خارجی در حوزه‌هایی محدود، یعنی عمدتا در فعالیت‌های منبع‌محور، سرمایه‌گذاری خواهند کرد و این حوزه‌ها، به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه، به احتمال زیاد اشتغال‌زا نخواهند بود. ازاین‌رو باید به جای طرح‌های ضربتی برای جمع‌آوری دست‌فروشان، تلاش کرد فعالیتشان را با کمک خود آنها ساماندهی کرد و این شغل را به سمت شغلی شایسته سوق داد.

در سال ۱۳۸۸ با گروهی همکاری کردید که مسئولیت طرح و اجرای فعالیت‌های بهسازی را در سکونتگاه‌های غیررسمی داشت و یکی از تمهیداتش ساماندهی دست‌فروشان بود. چه نهادی و با چه هدفی این فعالیت‌ها را سفارش داده بود؟ حاصل تمهیدات ساماندهی دست‌فروشان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ سازمان «عمران و بهسازی شهری»، یکی از معاونت‌های «وزارت مسکن و شهرسازی» سابق و «راه و شهرسازی» فعلی، مجموعه‌ای از فعالیت‌های بهسازی را تحت «پروژه بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن» با کمک بانک جهانی در پنج شهر ایران (ابتدا در سه شهر بندرعباس، زاهدان و کرمانشاه و سپس در سنندج و تبریز) در دست اجرا داشت. پروژه مربوط به ساماندهی دست‌فروشان در شهر بندرعباس از آن‌جهت ضرورت پیدا کرد که دست‌فروشان در سطح یکی از محلات هدف بهسازی در شهر مشغول به فعالیت بودند. تصمیم گرفته شد فعالیت‌هایشان ساماندهی و منظم شود. به همین منظور، بخشی از میدان محله به فعالیت‌هایشان اختصاص داده شد. لازم به ذکر است که کالاها و خدمات مهمی توسط دست‌فروشان به محله ارائه می‌شد که بسیار مفید بود. بنابراین تنها نیاز بود فعالیت آنان ساماندهی و با بخش رسمی اقتصاد مرتبط شود؛ یعنی شهرداری بتواند بر فعالیت آنها نظارت کند، ضوابطی را در این راستا در نظر بگیرد و مکانی مشخص با امکانات لازم در اختیارشان بگذارد. این دقیقا کاری بود که انجام شد. از جنبه‌های بسیار مثبت طرح یکی این بود که رویکرد شهرداری را نسبت به دست‌فروشان تغییر داد. قبل از اجرای این طرح، رویکردی نسبتا منفی وجود داشت، ولی با اجرای آن، شهرداری متوجه شد باید تمهیدات درست‌تری را در این موضوع صورت‌بندی کند. البته فعالیت‌های مربوط به ساماندهی و بهبود وضعیت دست‌فروشان در اصل از جانب پروژه بهسازی شهری، یعنی از بالا در نظر گرفته شد و نه از جانب مدیریت شهری. در باقی شهرهای هدف پروژه بهسازی، کار خاصی در این زمینه انجام نشد. درباره نتیجه کار بندرعباس هم درحال‌حاضر اطلاعات دقیقی در دست ندارم، اما آن زمان که طرح در حال اجرا بود، به‌نظر طرح نسبتا موفقی می‌رسید و در آن دست‌فروشان پراکنده در محله، مکان مشخصی برای خود یافته بودند. شهرداری هم توانایی شناسایی و ارتباط با این افراد را به دست آورده بود.

آیا از اجرای طرح‌های پژوهشی مشابهی مطلع هستید؟

سازمان «عمران و بهسازی شهری» بعد از این پروژه، طرح‌هایی را در راستای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در دیگر شهرها هم در دستور کار قرار داده و به انجام رسانده است، اما اینکه آیا ساماندهی دست‌فروشان را نیز هدف خود قرار داده باشند، خیر؛ تاجایی‌که اطلاع دارم پروژه‌ای در این زمینه اجرا نشده است.

در مجموع، شما منشأ گسترش پدیده دست‌فروشی را در چه می‌بینید و سیاست‌های ناظر بر آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تقریبا تمام کسانی‌که به فعالیت دست‌فروشی می‌پردازند، تمایل دارند از شغلی رسمی برخوردار باشند و حتی چه‌بسا ثبات شغلی را، حتی با درآمد کمتر، ترجیح دهند. پس مشکل در این است که اقتصاد شهری در ایران مولد نیست. البته روستاها هم در وضعیت مناسبی از نظر اشتغال و درآمد قرار ندارند. حدود ۳۰ درصد از جمعیت ایران در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و در این نقاط نیز به جز بخش کشاورزی، که در آن هم میزان تقاضا برای نیروی کار محدود است، بستر و شرایط گسترش تولید و اشتغال فراهم نیست. در نتیجه برای این جمعیت ساکن در روستا، مشاغل چندانی وجود ندارد و به همین دلیل افراد ناچار به مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر و بالاخص تهران می‌شوند. متأسفانه به دلیل مولدنبودن اقتصادهای شهرها، دسترسی به شغل رسمی، چه برای ساکنان قدیمی‌تر و چه برای افراد مهاجر بسیار محدود است. شهرها نمی‌توانند به اندازه کافی شغل تولید کنند که همین امر به نارسایی‌های متعددی بازمی‌گردد؛ از ساختار معیوب اقتصاد کلان تا روابط بین‌المللی سیاسی و مدیریت شهری. البته در ایران مدیریت شهری اساسا هدفی برای خود در راستای شکوفایی اقتصاد شهری قائل نیست، به این‌خاطر که این امر جزء وظایف شهرداری‌ها تعریف نشده است.

حتی این بند در برنامه جامع پنجم که طبق آن شهرداری باید درآمدهایش را تأمین کند، توانسته است محرکی برای شهرداری باشد تا به شکوفایی اقتصاد شهری توجه کند؟

خیر، چراکه برای مثال، مالیات‌هایی که از کسب‌وکارها اخذ می‌شوند و دیگر منافع حضور بنگاه‌ها در شهرها، چندان نصیب شهرداری نمی‌شود و فقط عوارض ساخت‌وساز و فروش تراکم، بخش بزرگی از درآمدهای شهرداری را تأمین می‌کند. در نتیجه برای مدیریت شهری خیلی توجیه روشنی ندارد که مثلا شرکت‌های بزرگ جهانی یا شعب منطقه‌ای آنها را با ارائه تسهیلات و مشوق‌هایی به سرمایه‌گذاری و استقرار در شهر خود ترغیب کند. در بسیاری از شهرهای دنیا، مجموعه مدیریت شهری به دنبال آن است که در رقابت با دیگر شهرها سرمایه‌گذاران بزرگ را برای بهبود اقتصاد محلی و ایجاد اشتغال به خود جذب کند. از این رو سعی می‌کنند بسترهای ورود و استقرار چنین شرکت‌هایی را به وجود آورند. برای جلب و حفظ شرکت‌ها باید زیرساخت‌های لازم عرضه شوند و در مواردی نیروی کار بازآموزی شود تا بتوانند موقعیت‌های شغلی جدید را از آن خود کنند. اما این فعالیت‌ها در ایران دور از ذهن است؛ یعنی مدیریت شهری چندان وظیفه خود نمی‌داند که این کارها را انجام دهد. البته برخی فعالیت‌های توسعه کارآفرینی در شهر تهران صورت می‌گیرد و آموزش‌هایی نیز ارائه می‌شوند، اما اینها چندان ارتباطی با اهداف شکوفاکردن اقتصاد شهری ندارد. در دوره‌هایی، حیطه وظایف شهرداری به‌شدت محدود شد؛ اما اکنون که خوشبختانه حیطه فعالیت‌هایش گسترش یافته، باز هم شکوفایی اقتصادی شهر یا تأمین بسترهای آن جزء وظایف مدیریت شهری محسوب نمی‌شود. اساسا اگر بنا باشد مدیریت شهری متوجه چنین اهدافی باشد، باید الزامات بسیاری را در اتخاذ تصمیماتش در ارتباط با نحوه ارائه خدمات شهری لحاظ کند. مثلا سیستم حمل‌ونقل شهری را طوری حمایت و طراحی کند که نیروی کار و کالاها و خدمات به بهترین شکل جابه‌جا شود و اقتصاد شهر به بهترین نحو به جریان بیفتد، نه اینکه بدون هدفی خاص فقط به دنبال انتقال و جابه‌جایی افراد باشد. در کل خدمات باید با توجه به اهداف ارتقای اقتصاد شهری، از جمله جلب سرمایه‌گذاری‌ها و ارتقای کمی و کیفی اشتغال و البته بازتولید نیروی کار عرضه شود.

در شرایط فقدان تمهیدات اقتصادی، گروه بزرگی از جمعیت شهری نمی‌توانند شغلی رسمی داشته باشند و مجبورند برای امرار معاش در بازار غیررسمی به فعالیت بپردازند. در کنار این مسئله که به دلیل ساختار اقتصادی، تعداد زیادی از جمعیت جوان کشور بی‌کار هستند (و نرخ مشارکت نیروی کار نیز بسیار پایین است)، با عده‌ای دست‌فروش مواجهیم که کار می‌کنند، اما کار آنان بی‌اهمیت تلقی می‌شود (که البته تعدادشان هم خیلی زیاد نیست). دست‌فروشان در پی امرار معاش هستند و خدماتی هم ارائه می‌دهند. ممکن است گفته شود فعالیت ایشان مشکلاتی نظیر سد معبر ایجاد می‌کند. خب، بسیاری از مشاغل دیگر هم سد معبر می‌کنند. اتفاقا مغازه‌های رسمی در تهران بیشترین سد معبرها را ایجاد می‌کنند؛ مثلا به واسطه پیشروی در پیاده‌رو یا ریختنِ آشغال در خیابان جلوی مغازه‌شان. اما شهرداری خیلی با این موارد مبارزه نمی‌کند. پس سد معبر همیشه رخ می‌دهد و جز در مورد دست‌فروشان، کسی علیه آن مبارزه نمی‌کند.

در هر صورت اگر به دست‌فروشان کار رسمی پیشنهاد شود، به احتمال بسیار زیاد آن را می‌پذیرند. ممکن است گفته شود دست‌فروشان مهارت‌های لازم را برای احراز شغل رسمی ندارند. خب، اگر ما فکر می‌کنیم دست‌فروشان نباید در خیابان‌ها باشند، باید برنامه‌هایی برای مهارت‌آموزی آنها در نظر گرفت تا بتوانند جذب بازار کار رسمی شوند؛ یا اگر می‌خواهیم این افرادی که به‌ناچار برای امرار معاششان به دست‌فروشی روی آورده‌اند، سد معبر نکنند، می‌توانیم مکان‌های خاصی را برایشان در نظر بگیریم؛ اگر مالیات نمی‌دهند، می‌توانیم با روش‌هایی شغل آنها را شناسایی و رسمی کنیم و از آنان مالیات بگیریم. برای ساماندهی پدیده دست‌فروشی، باید به چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی فکر کنیم. در واقع، این دست تمهیدات را می‌توان به‌عنوان بخشی از برنامه ساماندهی صورت‌بندی و اجرا کرد.

مدتی است شهرداری به‌عنوان متولی ساماندهی دست‌فروشان، طرح‌های ضربتی‌ای را برای جمع‌آوری، ساماندهی و رسمی‌کردن این نوع فعالیت اقتصادی انجام می‌دهد. با توجه به تجربه شما، آیا این طرح‌ها پاسخ‌گو و کارآمد هستند یا خیر؟ چرا؟

اخیرا جمع‌آوری دست‌فروشان دوباره مطرح شده است. این موضوع از سال‌ها پیش هم مطرح بوده، اما در عمل نمی‌توان آنها را جمع‌آوری کرد. به همان دلیلی که گفته شد، عده‌ای از افراد راه دیگری جز دست‌فروشی برای امرار معاش خود ندارند. با اقدام به جمع‌آوری، تنها فشارها بر آنان و هزینه‌هایشان افزایش می‌یابد. اگر با طرح‌های ضربتی اقدام به جمع‌آوری‌شان کنیم، پس این افراد چگونه باید کسب روزی کنند؟ اگر پس از جمع‌آوری دست‌فروشان، عده‌ای دیگر جایگزین‌شان شوند، چه خواهیم کرد؟ چه نهادی معاش این کسانی را که با اجرای طرح‌های این‌چنینی از دور خارج می‌شوند، تأمین خواهد کرد؟ باید سرنوشت ایشان را هم لحاظ کنیم. در هر صورت، مشکل با جمع‌آوری این افراد حل نمی‌شود. تمهیدات گذشته برای جمع‌آوری دست‌فروشان به صورت قهری موفق نبوده؛ در آینده نیز موفق نخواهد بود.

با درنظرگرفتن چنین برخوردهای دوگانه‌ای، که مثلا سد معبر از جانب اصناف رسمی را مسکوت می‌گذارد ولی درمورد دست‌فروشان به‌جد پیگیری می‌شود یا اینکه با استقرار مکانی دست‌فروشان، به این دلیل که فضای عمومی را اشغال می‌کنند، مخالفت می‌شود اما ساخت و گسترش سریع ساختمان‌ها و مال‌هایی که با تراکم بیش‌ازحدشان، حقوق فضایی و شهری شهروندان را تهدید می‌کنند، کمتر حساسیتی برمی‌انگیزند؛ به نظر شما، همه اینها از چه حکایت دارند و نشان‌دهنده چه جهت‌گیری و رویکرد کلی‌تر در حاکمیت شهری هستند؟

حاکمیت شهری ممکن است فعالیت‌های بعضی از شهروندانش را مشروع‌تر از بقیه بداند. در بسیاری از شهرهای دنیا می‌توان این مسئله را دید. اتفاقا در شهرهایی که مدیریت شهری به دنبال شکوفایی اقتصادی شهر است، ممکن است تمایل به تبعیض هم زیاد باشد. درعین‌حال در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه برخی تشکل‌های جامعه مدنی نیز سعی در رفع تبعیض‌های شهری دارند و در این کار هم بسیار موفق هستند.

ادامه در صفحه ۱۷

گزارش

نتایج یک تحقیق میدانی در تهران نشان می‌دهد

پیدانکردن شغل دلیل فعالیت ۸۰ درصد دست‌فروشان

حمیده چگونیان

● جوانی دم دکه روزنامه‌فروشی نشسته و صفحات آگهی‌های روزنامه همشهری را بالا و پایین می‌کند. صدای اعتراض مرد دکه‌دار را که می‌شنود پول را می‌دهد و با صفحات آگهی‌ها برمی‌گردد سر کارش، کمی آن‌طرف‌تر. بساطش را که روسری‌های رنگی اما کم‌تعداد است، مرتب می‌کند و بعضی‌ها را از نو تا می‌زند و دوباره سراغ آگهی‌های استخدام روزنامه می‌رود.

اسمش محمد است و ۲۲ساله. می‌گوید برای انتخاب رشته تحصیلی، رشته‌ای کاربردی را انتخاب کرده بود: تربیت بدنی. می‌گوید فکر می‌کرده لیسانسش را که بگیرد، معلم ورزش‌شدن روی شاخش است. اما تربیت بدنی‌خواندن هم امکانی برای او برای راه‌یابی به بازار کار به‌همراه نداشت. دوسالی می‌شود که محمد فارغ‌التحصیل شده و لیسانسش را گرفته است. از استخدام رسمی در آموزش‌وپرورش که مدت‌هاست ناامید شده و درِ هر مدرسه غیرانتفاعی را هم که زده است، گفته‌اند مراجعه‌کنندگان اغلب فوق‌لیسانس دارند و تازه دست خالی برمی‌گردند. مهربان‌ترها هم تلفنش را گرفته‌اند و به او گفته‌اند اگر موردی پیدا شد، با او تماس می‌گیرند. او دو سالی می‌شود که عقد کرده و شرط خانواده همسرش برای ازدواج، گرفتن کار ثابت است. محمد می‌گوید به هر دری برای پیداکردن کار زده‌ام اما تنها امیدی که دارم همین دست‌فروشی است.

طبق مطالعه میدانی گسترده‌ای که در شهر تهران با پرسشگری از ۳۸۶ دست‌فروش انجام شده است، ۷۸ درصد آنها دلیل انتخاب دست‌فروشی را پیدانکردن شغل دیگر عنوان کرده‌اند. محمد یکی از آن ۷۸درصدی است که می‌گوید حتی زمان تحصیل هم موفق به پیداکردن کاری پاره‌وقت برای تأمین هزینه‌های ثبت‌نام دانشگاه آزادش نشده بود و همان موقع هم با پول اندکی که قرض گرفته بوده، دست‌فروشی می‌کرده. محمد می‌گوید هر روز آگهی‌ها را مرور می‌کند تا شاید موردی برای کار پیدا کند. او می‌گوید روزنامه‌ها نوشته‌اند نرخ بی‌کاری پایین آمده است، پس چرا او همچنان راهی به بازار کار پیدا نمی‌کند؟

سری به آمارهای بی‌کاری‌ای که مرکز آمار ایران در هفته‌های گذشته راجع به نرخ بی‌کاری پاییز امسال، منتشر کرده، می‌زنم. مرکز آمار گفته است «بررسی نرخ بی‌کاری جمعیت ۱۰ سال به بالا نشان می‌دهد ۱۰٫۷ درصد از جمعیت فعال بی‌کار هستند». همین گزارش تعداد جوانان بی‌کار ۱۵ تا ۲۹ساله را یک میلیون و ۵۶۸هزارو ۱۶۴ نفر اعلام می‌کند. فکر می‌کنم تعداد جوانان بی‌کار در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ساله در کل کشور که مرکز آمار ایران در اسناد خود منتشر کرده است، نسبت به موج بی‌کاری و افرادی که جویای کار هستند، کمی غیرمنطقی و شاید پایین است. مرکز آمار ایران از سال ۸۵ تغییری در تعریف افراد شاغل داده است که بر اساس آن، فردی شاغل به شمار می‌آید که در طول هفته حداقل یک ساعت کار کرده باشد. تغییری که در همان موقع هم اعتراض و انتقاد زیادی را حتی از سوی کارفرمایان و افراد هم‌جناحی رئیس‌جمهور وقت داشت.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۴۷۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- درآمد- از باب‌های ثلاثی مزید در زبان عربی- فشار دادن ۲- از فرقه‌های مسیحیت- مجموعه تشک و لحاف و بالش ۳- سیاهدانه معطر- نشسته- مهار، لگام- مذکر ۴- در هر زمان- خیانتکار- از نسل علی(ع) و فاطمه(س) ۵- همانندی- اهل سنت بودن- در بازار بورس معامله می‌شود ۶- هر بند از قانون- شهرستانی در استان قزوین- گاز C2H4 ۷- گناه و معصیت- میوه‌ای با دانه‌های دارویی- نوکر و خدمتکار ۸- قدم یکپا- میوه‌ای آبدار- برگه دریافت کالا- نوار دورتادور بدنه اتومبیل ۹- بیستمین سوره قرآن کریم- بیشه- از الفبای انگلیسی ۱۰- پارالل- مرتفع‌ترین آبشار جهان- رستنی چتری ۱۱- مسابقه اتومبیل‌رانی- تفریح و هواخوری- تباشیر فرنگی ۱۲- از چهار عمل اصلی ریاضی- زندگی اجتماعی در جهت رشد و ترقی- چند مرتبه ۱۳- نام آذری- وسیله‌ای برای تولید نور هنگام عکس‌گرفتن- زد و خورد- دندانه سوهان ۱۴- محل کسب درآمد- عتیقه و قدیمی ۱۵- بیماری اختلال عمل کبد- پشت سرهم - فرمانده.

عمودی:

۱- دکان کوچک- دربرگرفتن- قرمز مایل به نارنجی ۲- رمانی از بلقیس سلیمانی، با موضوعی زنانه- مقروض ۳- سیلی- شاهکار آفرینش که تاروپود وجودش را از مهربانی آفریده‌اند- بخت و اقبال- گله مداوم ۴- زن زیبا- موتورسیکلت بدون دنده- ازخود گذشتن ۵- شهری دیدنی با قدمت ۳۰۰ ساله در مازندران- شوکت- چاق و سرحال ۶- قسمت نرم و بدون استخوان گوشت گوسفند- سیب آذری- پندار ۷- تصویر- آخرین غزوه پیامبر اسلام (ص)- مؤسس سلسله ساسانی ۸- تنگ چشم- حفر کردن ۹- ژله- دل آزردگی- خبر ۱۰- شهری در استان مرکزی- مرده شور- آرامگاه ۱۱- زیبا و دلفریب- دردناک- آیین‌های سنتی ۱۲- شیار زمین زراعی- مقر فرماندهی در ارتش- امام علی (ع) آن را سرمایه تمام نشدنی می‌داند ۱۳- رخساره- شریک- وسیله‌ای برای پرواز- مادر عرب ۱۴- پیامبر مدفون در شوش- از شکل های مصرف دارو ۱۵- کتاب معروف هیتلر- آشوب طلب- نوعی پوست دباغی‌شده.

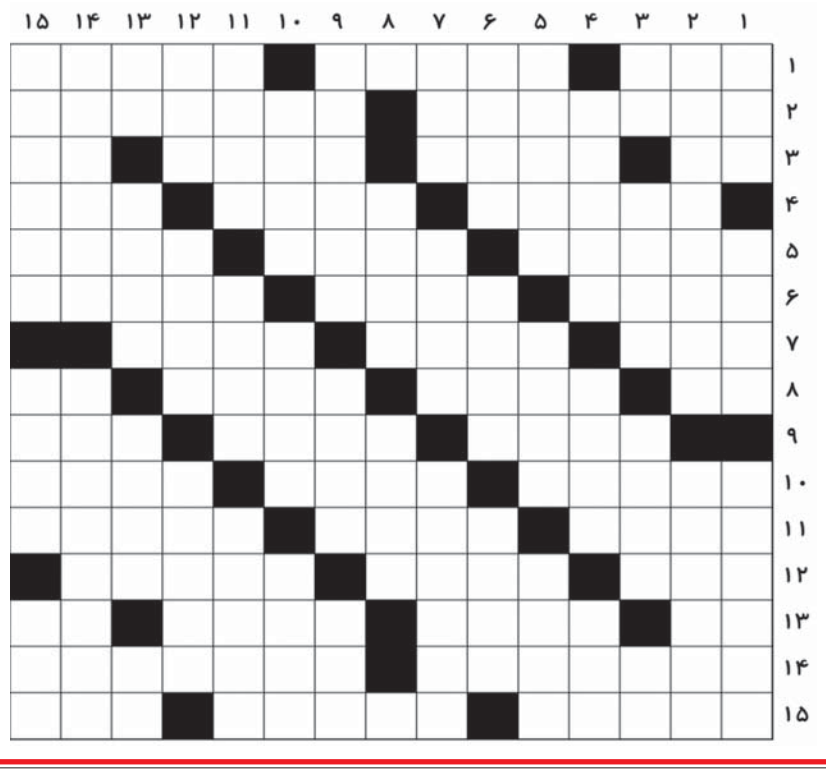

حل سودوکو سخت

۱	۷	۶	۸	۳	۵	۹	۴	۲
۳	۲	۵	۹	۶	۴	۱	۷	۸
۴	۹	۸	۲	۷	۱	۵	۶	۳
۲	۴	۱	۵	۹	۳	۶	۸	۷
۸	۶	۹	۴	۱	۷	۲	۳	۵
۵	۳	۷	۶	۸	۲	۴	۹	۱
۹	۸	۲	۳	۵	۶	۷	۱	۴
۶	۱	۴	۷	۲	۸	۳	۵	۹
۷	۵	۳	۱	۴	۹	۸	۲	۶

حل سودوکو ۱۴۷۳

۵	۳	۹	۲	۷	۴	۱	۶	۸
۷	۸	۱	۶	۳	۹	۵	۴	۲
۶	۴	۲	۱	۵	۸	۳	۷	۹
۲	۹	۳	۵	۱	۶	۷	۸	۴
۸	۱	۷	۴	۲	۳	۶	۹	۵
۴	۵	۶	۹	۸	۷	۲	۱	۳
۹	۲	۵	۷	۴	۱	۸	۳	۶
۳	۷	۴	۸	۶	۲	۹	۵	۱
۱	۶	۸	۳	۹	۵	۴	۲	۷

جدول ۲۴۷۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	س	ک	ا	چ	■	ل	ی	م	و	■	س	ر	ن	گ
۲	ب	و	ل	■	م	ی	ر	ا	■	ا	ر	س	ن	ا	ل
۳	س	■	ت	ا	ن	ک	■	ر	س	ت	ه	■	د	گ	ر
۴	ت	ن	ک	ه	■	ر	و	ی	ا	■	ی	ا	ه	و	■
۵	ر	و	■	ل	ج	و	چ	■	ک	ا	ن	و	■	ا	خ
۶	ا	ق	ا	ی	ی	■	ا	ه	ن	ی	■	ا	گ	ر	ا
۷	ک	ل	ر	■	ر	ا	ه	ی	■	ت	م	ن	ا	■	ن
۸	س	م	ا	■	ا	س	ت	ه	ب	ا	ن	■	م	ت	ه
۹	ی	■	م	ب	ن	ا	■	ا	خ	م	و	■	ب	ی	م
۱۰	و	ا	ی	ا	■	ن	ف	ت	ا	■	ا	م	و	ز	ش
۱۱	ن	ر	■	د	ا	ی	ی	■	ر	ا	ل	ی	■	ا	ر
۱۲	■	ت	ه	ی	ه	■	ل	ب	ا	س	■	ب	د	ب	و
۱۳	ح	ر	م	■	د	ا	م	ن	■	ک	ا	د	و	■	ط
۱۴	ی	و	ل	د	ا	ش	■	ب	س	ی	م	■	ب	ر	ی
۱۵	ا	ز	ت	ک	■	ک	ر	ن	د	■	م	ع	ی	ش	ت

سودوکو سخت ۱۴۷۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۳	۵				۱	۸
	۷		۸				۳	
		۵	۱				۷	
		۱	۴	۵			۹	
۲			۳	۹				
۵		۴	۲		۶			
	۱			۸		۷	۴	
	۴			۲			۶	
۳		۶						

سودوکو ۱۴۷۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۶		۸	۵		۳		۲	
۱			۸			۹	۳	۵
	۲		۷	۱	۹			
۷	۶	۱			۴		۵	
۴		۲		۷	۸	۳		
		۹				۶	۷	
۲					۷		۸	
	۳				۵	۲	۴	۶
۸		۵	۴	۶				